

۱۳۶- همه موارد از ویژگی‌های عمده نثر فارسی در سبک عراقی است؛ به جز:

- (۱) حذف افعال به قرینه - کاربرد لغات مهجور
- (۲) رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی - اطناب
- (۳) استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر - استفاده از ترکیبات دشوار
- (۴) کاربرد فراوان آیات، احادیث و اشعار در متن - کوتاهی جملات

۱۳۷- از دیدگاه تاریخ ادبیات همه موارد کاملاً درست است؛ به جز:

- (۱) زبان پهلوی، زبان رسمی دوران ساسانی بود. این زبان اساساً به ناحیه پارس تعلق داشته است و آن را «فارسی نو یا فارسی دری» نامیده‌اند.
- (۲) زبان فارسی باستان در دوره هخامنشی رایج بود. آثار برجای مانده این زبان، فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی به خط میخی است.
- (۳) آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زرتشتی است. حتی رساله‌های کوچکی مانند «یادگار زریران» رنگ دینی دارد.

(۴) زبان پارسی در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این زبان تألیف می‌شده است.

۱۳۸- انتساب کدام بیت به سراینده مقابل آن، نادرست است؟

- (۱) الا یا خیمگی، خیمه فروهل
 - (۲) گل بخندید و باغ شد پدرام
 - (۳) صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید
 - (۴) ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟
- که پیشاهنگ، بیرون شد ز منزل (منوچهری)
ای خوشا این جهان، بدین هنگام (رودکی)
دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش (صائب)
گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟ (عطار)

۱۳۹- انتساب چند اثر به پدیدآورنده آن «غلط» آمده است؟

- (مجالس المؤمنین: شیخ بهایی) (حبیب السیر: خواند میر) (جامع عباسی: اسکندر بیگ ترکمان)
(عین‌الحیات: علی بن حسین واعظ کاشفی) (محاكمة اللغتين: سلطان حسین بایقرا) (تحفة الاحرار: جامی)
(صدپند: خواجه عبدالله انصاری) (المعجم فی معاییر اشعار العجم: شمس قیس رازی) (رسالة دلگشا: عبید زاکانی)
(عشاق‌نامه: فخرالدین عراقی)

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۱۴۰- هر یک از آثار زیر به ترتیب، نمونه کدام نوع نثر است؟

«دیباچه عیار دانش، احسن التواریخ، عالم آرای عباسی»

- (۱) بینابین، مصنوع، ساده
(۲) بینابین، ساده، مصنوع
(۳) مصنوع، بینابین، ساده
(۴) ساده، مصنوع، بینابین

۱۴۱- سبک شعر کدام شاعر، حد واسط سبک دوره عراقی و سبک هندی است و شاخصه اصلی آن چیست؟

- (۱) وحشی بافقی، واقع‌گرایی
(۲) محتشم کاشانی، مرثیه‌سرایی
(۳) بابا فغانی شیرازی، ظرافت و رقت معانی
(۴) کلیم کاشانی، ابداع معانی و خیال‌های رنگین

۱۴۲- در دوران معاصر، پس از نویسندگان نسل اول، چه کسانی وارد ادبیات داستانی شدند و سبک آنان چه بود؟

- (۱) صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد (سبک نوین)
(۲) صادق چوبک، سیمین دانشور، بزرگ علوی (سبک تلفیقی)
(۳) غلامحسین ساعدی، صادق هدایت، صادق چوبک (سبک نوین)
(۴) جلال آل احمد، غلامحسین ساعدی، جمال میر صادقی (سبک تلفیقی)

۱۴۳- در همه گزینه‌ها، به محورهای نویسندگی محمدرضا سرشار، اشاره شده است؛ به جز:

- (۱) فعالیت در مباحث پژوهشی ادبیات کودک و نوجوان
(۲) قصه‌نویسی و قصه‌گویی، تدریس و فعالیت در نشریات تخصصی
(۳) نوشتن فیلم‌نامه «جای پای خون» براساس تجربه‌های داستانی
(۴) فعالیت‌های مطبوعاتی در مجله‌های رشد دانش‌آموز، قلمرو، سوره، پویش

۱۴۴- همه موارد از شاخص ترین درون مایه های شعر عصر بیداری است؛ به جز:

- (۱) توجه به مردم، آزادی
(۲) تعلیم و تربیت جدید، قانون
(۳) دانش ها و فنون جدید، وطن
(۴) معنی گریزی و ابهام در شعر، مدح و هجو

۱۴۵- کدام بیت، فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ابهام» است؟

- (۱) خواهیم ز یس پرده تقوا به در افتم
(۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند
(۳) نه طره ات غم شب های تار من دارد
(۴) من آن نیام که کند یار اجتناب از من

۱۴۶- آرایه های بیت زیر کدام اند؟

- «ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت
(۱) تشبیه، جناس، ابهام، کنایه
(۲) استعاره، مجاز، کنایه، ابهام
(۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز
(۴) کنایه، ابهام، مجاز، واج آرای

۱۴۷- آرایه های بیت زیر کدام اند؟

- «تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم
(۱) تشبیه، تضاد، ابهام، جناس تام
(۲) تشبیه، مجاز، ابهام تناسب، تضاد
(۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق
(۴) استعاره، ابهام، اغراق، پارادوکس

۱۴۸- کدام بیت، فاقد مجاز است؟

- (۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی
(۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
(۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
(۴) سهل است به خون من اگر دست برآری

۱۴۹- در همه ابیات آرایه های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز:

- (۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ
(۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را
(۳) ای ترک آتش رخ بیار آن آب آتش فام را
(۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار

۱۵۰- آرایه های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

- (۱) مشو درهم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان
(۲) حرص در هنگام پیروی از غلاف آید برون
(۳) حرف حق گفتن به خون خویش فتوی دادن است
(۴) تا روی کند عیش و طرب پشت به خم ده

۱۵۱- آرایه های «اغراق، تشبیه، حس آمیزی، حسن تعلیل، کنایه» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) تو کز سنگین رکابی لنگری، سامان کشتی کن
(ب) گامت شکرین باد که هر رخنه ای از دل
(ج) ریحان که رخ گلشن ازو تازه و تر بود
(د) شد شوق من به الفت لیلی یکی هزار
(ه) بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد
(۱) ج، د، الف، ب، ه (۲) د، ه، ب، الف، ج
(۳) د، ج، ب، ه، الف (۴) ه، ب، د، ج، الف

چندی به زبان همه کس چون خبر افتم
بر طرف چمن باز به پرواز نیاید
نه چشم مست تو فکر خمار من دارد
همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

جهانی را ز باغ عشق بر خوردار می بینم»

تویی آن کس که در عالم به جفت ابروان طاقی»

تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

تا عنان دل شیدا بشد از چنگ مرا
در آنگون ساغر فکن آن آب آتش رنگ را
وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را
تا ز آینه خاطر ببرد زنگ مرا

که بی این نیل از چشم خریداران خطر داری (مجاز، تلمیح)
بال و پر پیدا کند چون مور ماند بیش تر (استعاره، اسلوب معادله)
پنبه چون حلاج از مستی ز مینا بر مدار (ابهام، استعاره)
تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد، حسن تعلیل)

که بر خار و خس ما هر کفی ساحل تواند شد
شیرین ز شکر خند تو چون کنج دهن شد
از تازگی خط تو تقویم کهن شد
هر وحشی که با من دیوانه رام شد
داغ جگر لاله ستان ناف ختن شد

۱۵۲- قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

- ۱) ای تاب داده گیسو حالی است بر دل من
- ۲) آشفتهگان عشقت گیرم که جمع گردند
- ۳) با این سپاه مژگان از خانه گر در آیی
- ۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی

۱۵۳- قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

- ۱) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- ۲) اجل ناگهان در کمی‌نم کشد
- ۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم
- ۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت

۱۵۴- در همه ابیات حذف «همزه» به چشم می‌خورد؛ به جز:

- ۱) برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس
- ۲) چو عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ
- ۳) چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد
- ۴) به زلف گوی که آیین دلبری بگذار

۱۵۵- وزن بیت زیر، با کدام بیت یکسان است؟

- «فتان که منزل دور و دراز وادی عشق
 ۱) به سیر ماه از محفل مخوان پروانه ما را
 ۲) سیاه در دو جهان باد روی موی سفید
 ۳) به اسیران بلا ملک امان فرمودند
 ۴) نجات صبح دانی ز چه روی دوست دارم

۱۵۶- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به جز:

- «قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش
 ۱) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب
 ۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال
 ۳) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، حذف همزه
 ۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

۱۵۷- کدام ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

- الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت
 ب) وقتی نشد که بی‌دوست بر حال خود نگریم
 ج) ای بت دل پسند من هر سر موت بند من
 د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته‌ایم
 ه) از بس عرق شرم نشسته است به رویم
 ۱) الف، ج ه
 ۲) الف، ه
 ۳) ب، د
 ۴) ب، ه

۱۵۸- با توجه به بیت زیر همه موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز:

- «در نمازم خم ابروی تو در باد آمد
 ۱) وزن بیت «فاعلاتن فعلاتن فعلن» است.
 ۲) در بیت فوق قافیه براساس قاعده «۲» آمده است.
 ۳) شاعر از اختیارات شاعری «ابدال» و حذف همزه استفاده کرده است.
 ۴) در مصراع اول دو بار و در مصراع دوم یکبار، «حذف همزه» صورت گرفته است.

از تاب بی‌حسابت وز پیچ بی‌شماره
 جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره پاره
 تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره
 ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره

که پنداری این شعله بر من گل است
 همان به که آن نازنینم کشد
 که زنجیر شوق است در گردنم
 قفا خورد و سودای بیهوده پخت

سزای حور بنده رونق پری بشکن
 تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
 تو قیمتش به سر زلفا عنبری بشکن
 به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن

نکرد دل تهی از ناله چون جرس ما را
 که می‌گردد خنک از پرتو مهتاب عیش ما
 که همچو صبح، گران سنگ ساخت خواب مرا
 به فقیران گدا گنج سلاطین دادند
 که به روی دوست ماند که برافکنند نقابی

که در این خیل حصاری به سواری گیرند»

پی آن گوهر یک دانه به دریا زده‌ام
 روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم
 کاکل تو کمند من طره تابدار هم
 ایمن از وسوسه عقل زیان کار شدیم
 محروم ز نظاره آن روی نکویم
 ۱) الف، ج ه
 ۲) الف، ه
 ۳) ب، د
 ۴) ب، ه

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد»

۱۵۹- در بیت زیر، با توجه به اختیارات شاعری تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، کدام است؟

«از پای فتادیم چو آمد غم هجران
در درد بمردیم چو از دست دوا رفت»

(۱) ده، پنج (۲) ده، شش (۳) یازده، چهار (۴) یازده، پنج

۱۶۰- وزن همه ابیات «دوری» است؛ به جز:

(۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او
(۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای
(۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی‌تو
(۴) می‌برزند ز مشرق شمع فلک زبانه

۱۶۱- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، تفاوت دارد؟

(۱) تشنه‌چشمان را ز نعمت سیر کردن مشکل است
(۲) سیر چشمی می‌کند دل را ز دنیا بی‌نیاز
(۳) چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر
(۴) سیر چشمانیم، ما را بر زر گل چشم نیست

۱۶۲- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«من نمی‌گویم زبان کن یا به فکر سود باش
فرصت شمار صحبت کز این دو روزه منزل
سعدیا دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست
از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی
ز خود بهتری جوی و فرصت شمار

۱۶۳- مفهوم کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

(۱) هیچ چیزی نیست ز آهن سخت‌تر
(۲) کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست
(۳) دام عقل است آن که چشمش می‌پرد بهر شکار
(۴) پسته‌ها را لعل می‌گونت گریبان چاک کرد

۱۶۴- ابیات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«عیب جویانم حکایت پیش جانان گفته‌اند
دشمنی کردند با من لیک از روی قیاس
دل خوش باد و چشم از بخت روشن
بسیار گنه کردیم آن بود قضای تو
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
ندانند آن که درآورد دوستان از پای

۱۶۵- مفاهیم: «عدم آگاهی، فراغت خاطر، خویشتن‌داری، توصیه به فروتنی» به ترتیب، از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

(الف) چه آسوده است از اندیشه باد خزان، برگی
(ب) عنان نفس را هرکس تواند داشتن محکم
(ج) نظر را پایه گر خواهی بلند از آستان مگذر
(د) رخ بهبود کار خویش آن غافل چسان بیند

(۱) د، ب، الف، ج (۲) د، الف، ب، ج (۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، ب، الف، د

سر نتواند کشید پای ز زنجیر او
حسن تو جلوه می‌کند وین همه پرده بسته‌ای
بیا بین که در این غم چه ناخوشم بی‌تو
ای ساقی صبوحی در ده می شبانه

دشت اگر دریا شود ریگ روان سیراب نیست
گوهر قانع ز روی تلخ دنیا فارغ است
که یک جو منت دونان به صد من زر نمی‌آرزد
برگ سبزی از گلستان خون بهای ما بس است

ای ز فرصت بی‌خبر در هر چه هستی زود باش
چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن
در میان این و آن فرصت شمر امروز را
از ازل تا به ابد فرصت درویشان است
که با چون خودی گم کنی روزگار

هم بنا بر آب دارد درنگر (فناپذیری)
بر زمستان صبر باید، طالب نوروز را (تحمل سختی)
چشم دام عشق از سیمرخ و از عنقا پر است (منمت دنیاطلبی)
تلخ شد از چشم شوخت خواب بر بادام‌ها (برتری جمال معشوق)

من خود این پیدا همی گویم که پنهان گفته‌اند
دوستی باشد که دردم پیش درمان گفته‌اند
به کام دوستان و رغم دشمن
شاید که به ما بخشی، از روی کرم آن‌ها
شاید که چو وا بینی خیر تو در این باشد
که بی‌خلاف بجنبند دشمنان از جای

که در فصل بهاران چون گل رعنا خزان بیند
سمند سرکش افلاک را در زیر ران بیند
که هرکس را بود بر صدر جا در آستان بیند
که بردارد ز یوسف چشم و راه کاروان بیند